

شهید رضاقلی شہسواری



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر

آزاد	نام پدر
۱۳۴۵/۰۶/۳۰	تاریخ تولد
بوشهر - دشتستان	محل تولد
۱۳۶۶/۰۱/۰۲	تاریخ شهادت
پادگان ابوذر	محل شهادت
رزمنده	مسئولیت
سربازدرباری ارتش	نوع عضویت
-	شغل
سوم راهنمایی	تحصیلات
دالکی	مدفن

زندگینامه

زندگینامه شهید

رضا قلی(امیر) شهبواری در شهریورماه سال۱۳۴۵در دالکی متولد شد و دوران کودکی و تحصیلی خود را تا پایان دوره راهنمایی در دالکی پشت سر گذاشت و سپس وارد دبیرستان گردید و تا سال ۱۳۶۳ به تحصیل اشتغال داشت و سپس ترک تحصیل کرد و جهت امرار معاش خانواده با پدر همکاری کرد. شهید رضا قلی شهبواری یکی از صادق ترین و پاک ترین اعضای خانواده خود بود و چهره مظلوم و دوست داشتنی و همیشه خاموش و ساکتش دور از فساد و انحراف بود. در مردادماه سال۱۳۶۵ وارد خدمت مقدس سربازی گردید و دوره آموزشی خود را در سیرجان به پایان رسانید و سپس به منظور حفاظت از آب های نیلگون خلیج فارس به عنوان ناوی وظیفه به پایگاه نیروی دریایی بوشهر آمد و در مدت۴ماه خدمت سربازی به مأموریت های مختلف و متعددی جهت پدافند به جزایر و سکوهای خلیج فارس اعزام گردید. تا این که در تاریخ ۱۹/۱۲/۱۳۶۵ داوطلبانه جهت حفاظت از سکوی نفتی ابوذر به آن ناحیه اعزام گردید و در حال دفاع از میهن اسلامی خود در همان سکو در تاریخ ۲/۱/۱۳۶۶ به فیض عظمای شهادت نائل آمد .

مصاحبه

شهید از زبان مادر:

پدرش به خاطر ارادت خاصی که به ائمه اطهار (ع) داشت نام شهید را انتخاب کرد. در سنین قبل از دبستان او را به مکتب خانه فرستادیم. امیر موقع اذان به مسجد نزدیک منزلمان می رفت و اذان می گفت. به همه اعضای خانواده عشق می ورزید. در برابر خانواده احساس مسئولیت عجیبی داشته. خیلی منظم بود و تکالیف مدرسه ای را به خوبی انجام می داد. به خاطر بیماری رماتیسم یک سال از مدرسه عقب افتاد. همه فرزندانم از دستوراتش پیروی می کردند چون نسبت به خواهران و برادران خود بسیار حساس بود. رابطه اش با دوستان بسیار صمیمی بود.

در مراسم سوگواری ابا عبدالله الحسین (ع) شرکت فعال داشت. در ایام ماه مبارک رمضان شب ها در مراسم قرآن و روضه خوانی شرکت می کرد و روزها روزه می گرفت. در کار کشاورزی به پدر بزرگش کمک می کرد. به ورزش، مسجد، مطالعه و شرکت در جلسات مذهبی علاقه فراوان داشت و در اوایل پیروزی انقلاب در جهاد سازندگی شرکت می کرد. به پدر و مادر و خواهر و برادرانش احترام می گذاشت و در هر کاری با آن ها مشورت می کرد. نسبت به همسایگان احترام خاصی قائل بود و همیشه به افراد فقیر کمک می کرد.

علاقه او به امام به حدی بود که تمام سخنرانی های امام را جمع آوری می کرد و با جان و دل به سخنرانی ها گوش می داد. تمام کاست های سخنرانی امام را در قبل از انقلاب داشت. قبل از انقلاب با آن که سنی نداشت و دبستانی بود در تمام راهپیمایی ها شرکت می کرد و شعار روی دیوارها می نوشت و حتی چندین بار از استوار حیدری کتک خورده بود.

به نماز جماعت علاقه فراوانی داشت و دوست داشت همیشه در مسجد محل، نماز جماعت برگزار شود. هیچ وقت حق کسی را ضایع نمی کرد.

دوران آموزشی سربازی را در پادگان آموزشی سیرجان به پایان رسانید و بعد از آن به پدافند نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سکوی ابوذر پیوست. هدف او دفاع از آرمان های امام و حفظ نظام جمهوری اسلامی در مقابل تهاجم استکبار جهانی بود. از دوستان نزدیک وی تعدادی به درجه رفیع شهادت نائل گشتند.

توسط یکی از بستگان از شهادت ایشان با خبر شدیم و یک هفته بعد در تاریخ ۹/۱/۱۳۶۶ او را تا گلزار شهدای دالکی بدرقه کردیم.



سامانہ جامع سرداران و دوهزار ششمیہ استان بوئسهر